

# حکم جشن به مناسبت شب اسرا و معراج

حکم الإحتفال بليلة الإسراء و المعراج باللغة الفارسية

شيخ عبدالعزيز ابن باز رحمه الله

حکم جشن به مناسبت شب اسرا و معراج

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و صحبه

اما بعد: شکی نیست که اسرا و معراج یکی از آیات بزرگ الهی است که بیانگر صداقت رسول او تعالی، محمد صلی الله علیه وسلم و عظمت مقام ایشان در نزد الله است همان طور که این دو (معجزه) از ادله‌ی بیان‌گر قدرت حیرت‌آور الله و بالاتر بودن او تعالی از تمام مخلوقاتش است.

الله می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱)»

(پاک و منزّه است آن ذاتی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پر برکت ساخته‌ایم - برد تا برخی از آیات او به او نشان داده شود؛ چرا که او شنوا و بیناست). «اسراء / ۱»

از رسول‌الله صلی الله علیه وسلم به صورت متواتر ثابت است که به آسمان برده شد و تمام درب‌های آسمان به روی ایشان باز گردید و از آسمان هفتم بالاتر رفت و پروردگارش هر چه می‌خواست با او صحبت کرد و نمازهای پنجگانه را بر او فرض نمود. ابتدا الله تعالی بر بندگانش پنجاه نماز را فرض کرد. اما پیامبر صلی الله علیه وسلم پیایی به الله رجوع کرد و تقاضای تخفیف نماز را کرد. تا این که الله آن را به پنج وقت تخفیف داد و اجر و پاداش پنجاه وقت را برای او مقرر فرمود چون هر نیکی ده برابر می‌شود، لذا باید سپاس و شکر الله را بر تمام نعمت‌هایش به جا آوریم.

این شبی بود که اسرا و معراج در آن به وقوع پیوست، در احادیث صحیح تعیین نشده که این ماجرا در ماه رجب یا ماهی دیگر اتفاق افتاده است و هر چه در احادیث درباره تعیین این شب آمده از نظر صاحب‌نظران علم حدیث از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت نیست و در به فراموشی سپردن زمان دقیق این شب الله را حکمتی رسا است و حتی اگر این شب مشخص می‌شد، برای مسلمانان جایز نبود در این شب عبادت‌هایی را بصورت اختصاصی انجام می‌دادند و برای‌شان جایز نیست که در آن شب جشن بگیرند. چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم نه عبادتی را به این شب اختصاص دادند و نه در این شب جشن گرفتند. و اگر جشن به این مناسبت مشروع می‌بود، به طور قطع پیامبر صلی الله علیه وسلم به صورت قولی یا عملی آن را برای

امت بیان می کردند. اگر جشنی برگزار می شد حتما همه می دانستند و مشهور بود و صحابه آن را نقل می کردند.

تردیدی نیست که اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم هر چه امت نیاز داشته است از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کردند و در نقل هیچ چیزی از مسایل دین کوتاهی نکردند بلکه در اعمال خیر از همه جلوتر بودند لذا اگر جشن به مناسبت این شب مشروع می بود آنان از همه سبقت می گرفتند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم از همه ی مردم به مردم خیرخواهتر بود، رسالت خود را به بهترین شکل ابلاغ نمود و امانت را ادا کرد. اگر جشن و احترام این شب جزو دین می بود، به طور قطع پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن غفلت نمی ورزید و آن را کتمان نمی کرد. وقتی در این مورد هیچ گونه جشن و احترامی وجود ندارد، مشخص می شود که جشن به این مناسبت و تعظیم آن در اسلام جایگاهی ندارد، در حالی که الله دین خود را برای امت تکمیل نموده و نعمتش را تمام کرده است.

به این ترتیب چیزی را که الله اجازه نداده، و از دین نیست، رد کرده است.

الله می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

(امروز دین شما را برای تان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم).  
«مائده/۳»

و می فرماید: «أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۱)» «شوری/۲۱»

(آیا معبودانی دارند که بدون اذن الله آئینی برای آن‌ها ساخته‌اند، اگر مهلت معینی برای آن‌ها نبوده به نابودی‌شان حکم می‌شد [دستور عذاب صادر می‌گشت] و برای ظالمان عذاب دردناکی است).

در احادیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت است که از بدعت‌ها برحذر داشته و تصریح کرده که بدعت‌ها گمراهی است و به امت هشدار داده است که در معرض خطر بزرگی قرار دارند تا از مبتلا شدن به آن متنفر باشند، از جمله:

در صحیحین از عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ»: (هر کسی در دین ما چیزی پدید آورد که از آن نباشد، مردود است).<sup>۱</sup>

در روایت مسلم آمده: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ»: (هر کس عملی انجام دهد که طبق دستور ما نباشد، آن عمل مردود است).<sup>۲</sup>

در صحیح مسلم از جابر رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم در سخنرانی روز جمعه‌اش می‌فرمود: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَ خَيْرَ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَ شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَ كُلُّ بَدْعَةٍ ضَالَّةٌ»: (اما بعد: همانا بهترین سخن‌ها کتاب الله است و بهترین روش‌ها، روش محمد صلی الله

---

<sup>۱</sup> تخریجش گذشت در فتاواى (۱۹۷)

<sup>۲</sup> تخریجش گذشت در فتاواى (۱۹۷)

علیه وسلم است و بدترین امور، امور نوپیداست و هر بدعتی گمراهی است).<sup>۳</sup> نسائی با سند جيد اضافه کرده است: «وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ»: (و هر گمراهی در آتش است).<sup>۴</sup> همچنین در سنن از عرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت است که: «صَلَّى لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْفَجْرَ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا فَوَعظَنَا مَوْعِظَةً بَلِيغَةً ذَرَفَتْ لَهَا الْأَعْيُنُ، وَ وَجَلَتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ. قُلْنَا أَوْ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ كَأَنَّ هَذِهِ مَوْعِظَةٌ مُودَعٍ فَأَوْصِنَا. قَالَ: أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ السَّمْعِ وَ الطَّاعَةِ؛ وَ إِنْ كَانَ عَبْدًا حَبَشِيًّا؛ فَإِنَّهُ مَنْ يَعْشِ مِنْكُمْ يَرَى بَعْدِي اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ، وَ عَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ مُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ؛ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ، وَ إِنْ كُلَّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»:

(رسول الله صلى الله عليه وسلم نماز صبح را برای ما خواند. سپس رو به ما کرد و سخنان رسایی را برای ما ایراد فرمود که از چشم‌ها اشک جاری شد و قلب‌ها به تپش افتاد. گفتیم یا گفتند: یا رسول الله! گویا این موعظه‌ی شما موعظه‌ی خدا حافظی است! پس ما را وصیت کن! فرمود: شما را به رعایت تقوای الهی و شنیدن حرف حق و اطاعت از الله و رسول صلى الله عليه وسلم وصیت می‌کنم. اگر چه غلامی حبشی باشد، چرا که هر کس از شما بعد از من زنده باشد اختلاف‌های زیادی را مشاهده خواهد کرد. پس بر شماست که راه و روش من و خلفای راشدین را با دندان محکم

<sup>۳</sup> تخریجش گذشت در فتاوی سابق

<sup>۴</sup> نسائی (۱۵۷۹)

بگیرید. و شما را از چیزهای نوپیدا بر حذر می‌دارم و هر چیز نوپیدایی بدعت است و هر بدعتی گمراهی است.<sup>۵</sup> احادیث به همین معنا زیاد است.

از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم و سلف صالح بعد از آنها نیز ثابت است که امت را از بدعت‌ها بر حذر داشته و ترسانده‌اند، چرا که بدعت‌ها بمنزله ی افزودن بر دین و شریعتی است که الله اجازه نداده چیزی به آن اضافه شود و انجام بدعت تشبیه به دشمنان الله (یهود و نصارا) است که چیزهایی به دین خود افزودند و بدعت‌هایی پدید آوردند که الله اجازه نداده است، چون لازمه ی عمل به بدعت ناقص دانستن دین اسلام و متهم کردن این دین به عدم تکمیل بودن است، به این ترتیب روشن است که در این امر فساد بزرگ، منکری زشت و مخالفت با آیه ی: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»

(امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما به اتمام رساندم) «مأئده/۳» وجود دارد.

و نیز مخالفت صریح با احادیث زیادی از پیامبر صلی الله علیه وسلم است که از بدعت بر حذر داشته و (به ما دستور داده) از آن متنفر و بیزار باشیم.

امید است دلایلی را که یادآور شدیم برای فرد جوپای حق در پرهیز از این بدعت یعنی: جشن شب اسرا و معراج کافی و قانع‌کننده باشد و بداند که این عمل در دین اسلام جایگاهی ندارد.

---

<sup>۵</sup> تخریش گذشت در فتاوا (۱۹۶)

از آنجایی که الله نصیحت مسلمانان و بیان آنچه برایشان از دین مشروع قرار داده، واجب گردانیده و کتمان علم را تحریم کرده است، شایسته دانستم که به برادران مسلمانم بگویم این عمل که در بسیاری از شهرها رواج پیدا کرده است، تا جایی که برخی از مردم گمان می‌کنند جزء دین است، بدعت است.

از الله تعالی می‌خواهم که حال تمام مسلمانان را اصلاح گرداند و به همه فهم (صحیح) دین را عنایت فرماید و به ما مسلمانان توفیق دهد که به حق تمسک جوئیم و بر آن پایدار باشیم و مخالفت با آن را ترک نماییم. «انه ولی ذلک و القادر علیه» و صلی الله و سلم و بارک علی عبده و رسوله نبینا محمد و آله و صحبه.

شیخ ابن باز - کتاب التحذیر من البدع

ص(۲۰-۱۶)